

رابطه‌ی شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی با تأکید بر صلاحیت

کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد، ایران، تبریز.

نرگس امیری مندی

استادیار گروه حقوق، حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران

پیمان حکیم زاده

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی با تأکید بر مسئله صلاحیت می‌پردازد و می‌کوشد مبانی حقوقی این ارتباط را در چارچوب منشور ملل متحد و اساسنامه رم تحلیل کند. شورای امنیت به‌عنوان رکن مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، در مواردی از طریق ارجاع وضعیت‌ها به دیوان یا تعلیق تحقیقات و تعقیب‌ها، در فرآیند اعمال صلاحیت دیوان نقش مستقیم می‌یابد؛ در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی نهادی قضایی و مستقل است که برای تعقیب مرتکبان شدیدترین جنایات بین‌المللی تأسیس شده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این رابطه، جلوه‌ای از پیوند میان عدالت کیفری بین‌المللی و ملاحظات امنیت جمعی است و از همین رهگذر، هم ظرفیت تقویت پاسخ‌گویی بین‌المللی را دارد و هم می‌تواند زمینه بروز تنش میان استقلال قضایی و ملاحظات سیاسی را فراهم آورد. یافته‌های مقاله بیانگر آن است که نقش شورای امنیت در فعال‌سازی یا تعلیق صلاحیت دیوان، تأثیر عمیقی بر اصل برابری در برابر عدالت، حمایت از قربانیان و مقابله با بی‌کیفرمانی بر جای می‌گذارد. هرچند ارجاع پرونده‌ها از سوی شورای امنیت می‌تواند راه دستیابی به عدالت را در وضعیت‌هایی که دولت‌ها ناتوان یا نامایل به تعقیب هستند هموار سازد، اما گزینشی بودن تصمیمات، نفوذ ملاحظات سیاسی و امکان استفاده از حق وتو، خطر سیاسی‌شدن عدالت کیفری بین‌المللی را افزایش می‌دهد. از این رو، مقاله نتیجه می‌گیرد که مشروعیت و کارآمدی این رابطه زمانی تضمین می‌شود که اختیارات شورای امنیت در ارتباط با دیوان، در پرتو معیارهای حقوقی، بی‌طرفی قضایی و هدف انسانی حمایت از کرامت بشر و حقوق قربانیان اعمال شود.

شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت، اساسنامه رم، ارجاع وضعیت، تعلیق تعقیب،

واژگان کلیدی: بی‌کیفرمانی، عدالت کیفری بین‌المللی، حقوق قربانیان.

طبقه‌بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم‌شناسی – حقوق بین‌الملل – حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2026, Sixth year, Issue 27

Pages 1-13

The Relationship between the Security Council and the International Criminal Court with an Emphasis on Jurisdiction

Narges Amiri Mandi

Master of Law, International Law, Azad University, Tabriz, Iran.

Peyman Hakimzadeh

Assistant Professor, Department of Law, Public International Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Iran

Abstract

This article examines the relationship between the Security Council and the International Criminal Court with an emphasis on the issue of jurisdiction and attempts to analyze the legal foundations of this relationship within the framework of the United Nations Charter and the Rome Statute. The Security Council, as the body responsible for maintaining international peace and security, plays a direct role in the process of exercising the Court's jurisdiction in some cases by referring situations to the Court or suspending investigations and prosecutions; while the International Criminal Court is an independent judicial institution established to prosecute perpetrators of the most serious international crimes. The present study shows that this relationship is a manifestation of the link between international criminal justice and collective security considerations, and in this way, it has the potential to both strengthen international accountability and create tension between judicial independence and political considerations. The findings of the article indicate that the role of the Security Council in activating or suspending the jurisdiction of the Court has a profound impact on the principle of equality before justice, protection of victims and combating impunity. Although the referral of cases by the Security Council can pave the way for achieving justice in situations where states are unable or unwilling to prosecute, the selectivity of decisions, the influence of political considerations and the possibility of using the veto power increase the risk of politicization of international criminal justice. Therefore, the article concludes that the legitimacy and effectiveness of this relationship are guaranteed when the powers of the Security Council in relation to the Court are exercised in light of legal standards, judicial impartiality and the humanitarian purpose of protecting human dignity and the rights of victims.

Security Council, International Criminal Court, Jurisdiction, Rome Statute, Referral of Status,

Keywords: Suspension of Prosecution, Impunity, International Criminal Justice, Victims' Rights.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی یکی از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل معاصر است؛ زیرا این رابطه در نقطه تلاقی دو هدف بنیادین جامعه جهانی، یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تحقق عدالت کیفری بین‌المللی قرار دارد. شورای امنیت بر اساس منشور ملل متحد، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و می‌تواند در چارچوب فصل هفتم تصمیمات الزام‌آور اتخاذ کند. در مقابل، دیوان کیفری بین‌المللی نهادی قضایی و مستقل است که بر پایه اساسنامه رم تأسیس شده و مأموریت اصلی آن رسیدگی به شدیدترین جنایات بین‌المللی، از جمله نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز است. از همین رو، بررسی رابطه این دو نهاد، به‌ویژه از منظر صلاحیت، اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که شورای امنیت می‌تواند از طریق ارجاع یک وضعیت به دیوان، زمینه اعمال صلاحیت دیوان را حتی نسبت به دولت‌های غیر عضو اساسنامه رم فراهم کند. همچنین این شورا بر اساس ماده ۱۶ اساسنامه رم می‌تواند درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب را برای مدت معین مطرح سازد. این اختیارات نشان می‌دهد که شورای امنیت در برخی موارد نقشی تعیین‌کننده در فعال‌سازی یا محدود کردن صلاحیت دیوان دارد. با وجود این، چنین نقشی همواره خالی از چالش نیست؛ زیرا شورای امنیت نهادی سیاسی است و تصمیمات آن ممکن است تحت تأثیر منافع دولت‌های قدرتمند، حق و تو و ملاحظات امنیتی قرار گیرد، در حالی که دیوان باید بر پایه استقلال قضایی، بی‌طرفی و معیارهای حقوقی عمل کند.

بر این اساس، پرسش اصلی این است که رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی تا چه اندازه می‌تواند به تقویت عدالت کیفری و مقابله با بی‌کیفرمانی کمک کند و در چه مواردی ممکن است موجب سیاسی‌شدن صلاحیت دیوان و تضعیف اصل برابری در برابر عدالت شود. این موضوع از منظر

انسانی نیز اهمیت فراوان دارد؛ زیرا تصمیم شورای امنیت درباره ارجاع یا عدم ارجاع یک وضعیت، می‌تواند سرنوشت قربانیان جنایات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، تحلیل حقوقی این رابطه باید به گونه‌ای انجام شود که هم جایگاه قانونی شورای امنیت و دیوان روشن گردد و هم آثار آن بر حقوق قربانیان، کرامت انسانی و اجرای عدالت غیرگزینشی مورد توجه قرار گیرد.

مفهوم شورای امنیت

سازمان ملل متحد دارای شش رکن اصلی می‌باشد که یکی از قدرتمندترین ارگان این سازمان است که قدرت تصمیم‌گیری الزام‌آوری را در قبال کشورها دارد و تصمیماتی به صورت قطعنامه‌های شورای امنیت اعلام می‌شود و یکی از وظایف آن می‌توان به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی اشاره نمود این سازمان که اولین جلسه آن در ۱۷ ژانویه ۱۹۴۶ در کلیسای وست مینستر لندن برگزار شد که از زمان اولین جلسه‌ی آن تاکنون شورا بطور مداوم به کار خود ادامه داده و دارای اعتبار جهانی است ریاست شورا به ترتیب الفبای انگلیسی و بطور چرخشی نام کشورهای عضو به مدت یکماه واگذار می‌شود شورای امنیت سازمان ملل ۱۵ عضو دارد که ۵ عضو آن دائم از جمله کشورهای چین، فرانسه، انگلیس، آمریکا، روسیه دارای حق و تو هستند که می‌توانند با دادن رأی منفی از صدور قطعنامه در این شورا جلوگیری کنند و در مورد عضو غیر دائم هم با حق رأی هم نمی‌توانند و تو نمایند که این عدم داشتن حق و تو باعث نارضایتی کشورهای عضو شده است را این مال بنظر می‌رسد که این نهاد در طول حیاتش به جز موارد محدودی نتوانسته نماد تأثیرگذاری باشد و اصلی‌ترین وظیفه‌اش که حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است را بخوبی انجام دهد. (خسروی، ۱۳۸۴: ۹۹-۹۰)

وظایف شورای امنیت

(۱) مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

۲۰۲۵ تعداد کشورهای عضو این نهاد به ۱۲۵ کشور رسیده است. در واقع این نهاد مستقل و قدرتمند به عنوان میراثی نیکو در قرن ۱۹ نقش بسزایی در تضمین صلح و امنیت بین‌المللی ملل جهان ایفا می‌کند. این نهاد از صلاحیت‌های تکمیلی و شخصی برخوردار است که صلاحیت تکمیلی در اولویت است. (اکبری، ۱۳۹۸: ۷۳-۶۵)

وظایف دیوان کیفری بین‌المللی

- (۱) رسیدگی به جرایم و جنایات جنگی مانند جرایم ضد بشریت، جنایات جنگی، تجاوز و نسل‌کشی برعهده دارد.
- (۲) مجازات کردن جنایتکاران و مرتکبان جنگی برای تثبیت صلح.
- (۳) تعقیب، تحقیق و مورد پیگرد قرار دادن جرایم بین‌المللی.
- (۴) مبارزه با ناقضان عدالت بین‌المللی.
- (۵) کمک و مساعدت کردن کشورهای درخواست‌کننده کمک در بررسی پرونده.
- (۸) اجرای عدالت کیفری در سطح بین‌المللی (اکبری، ۱۳۹۸: ۷۳-۶۵)

وظایف شورای امنیت مرتبط با دیوان کیفری

- (۱) درخواست نظریه مشورتی از دیوان درباره مسئله حقوقی.
- (۲) تعویق تحقیق یا تعقیب، جریان رسیدگی دیوان کیفری.
- (۳) بکارگیری راهبردهای کنترل دیوان از طریق کشورهای قدرتمند.
- (۴) محدود کردن صلاحیت دیوان.
- (۵) استفاده از حق وتو برای ارجاع وضعیت به دیوان.
- (۶) ارجاع وضعیت که در آن یک یا چند جرم ارتکاب یافته‌اند به دیوان کیفری بر اساس تشخیص (براتی، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۲۹)
- پیرامون موضوع مقاله به توضیح مختصر هر یک از موارد بالا می‌پردازیم:
- الف) در نظریه مشورتی دیوان مانند اعلامیه یک‌جانبه استقلال کوزو که دیوان پس از احراز صلاحیت خود به رسیدگی برای ارائه نظریه مشورتی با ده رأی موافق اعلامیه یک‌جانبه

(۲) حل و فصل اختلافات بین‌المللی که در ماده (۱) ۱۵ میثاق جامعه ملل آمده و هم‌ایفای نقش بر اساس فصل ششم منشور را بر عهده دارد.

(۳) توصیه به مجمع عمومی در مورد سلب امتیازات یا تعلیق حقوق و مزایای عضویت و برقراری مجدد این امتیاز و حقوق و اخراج عضو سرپیچی‌کننده از منشور و پذیرش اعضای جدید سازمان ملل متحد.

(۴) توصیه روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات و توسل به قوه قهریه برای حفظ و اعاده صلح و تأسیس کردن ارکان فرعی.

(۵) دعوت از طرف‌های مربوط برای پیروی اقدامات موقتی که برای بازدارندگی از وخامت اوضاع ضروری و مطلوب بنظر می‌رسد.

(۶) فراخوانی اعضاء برای اعمال کردن تحریم‌های اقتصادی و ابزارهایی غیر از توسل به زور برای توقف هر نوع تجاوز و تنش جهانی.

(۷) عملی کردن تصمیمات شورا.

(۸) بکارگیری نظام قیمومت بین‌المللی در صورت ضرورت در مناطق استراتژیک.

(۹) تجزیه و تحلیل هر وضعیتی که باعث افت جهانی یا افزایش تنش شود.

(۱۰) تعیین وجود تهدید به صلح یا اقدام تجاوزکارانه و ارائه توصیه جهت اقدامات (حجازی و صلح‌چی، ۱۳۹۹: ۴۶-۹)

مفهوم دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی نخستین مرجع قضایی دایمی بین‌المللی برای رسیدگی مرتکب به جنایات بین‌المللی است که متشکل از ۱۸ قاضی است که برای دوره کاری ۳، ۶، ۹ ساله انتخاب می‌شوند و دارای چهار رکن دفتر رئیس، شعبات رسیدگی، دفتر دادستانی و دفتر ثبت اشاره کرد و در راستای تشکیل دیوان که اساسنامه در ژوئیه سال ۱۹۹۸ در رم به امضای ۱۲۰ کشور دنیا رسید و با پیوستن بیش از ۶۰ کشور در جولای ۲۰۰۲ در عرصه جهانی لازم‌الاجرا شد و از ژانویه

یکی از شیوه‌های مندرج در ماده ۱۳ اساسنامه دیوان ارجاع وضعیتی که یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دیوان ارتکاب یافته باشد توسط دولت عضو شورای امنیت است و این ارجاع از اهمیت مضاعف برخوردار است. برای نمونه تصمیم این نهاد برای ارجاع وضعیت دارفور به دیوان کیفری طی قطعنامه ۱۵۹۳ در سال ۲۰۰۵ مورد تحلیل است (رضوی فرد و براتی، ۱۴۰۲: ۱۱۶-۸۲)

د) با در نظر گرفتن وجود ارتباط میان تهدید علیه صلح، نقص صلح با جرایم مشمول صلاحیت دیوان است و نقش شورای امنیت در مبارزه با جرایم بین‌المللی، به موجب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، این نهاد می‌تواند رسیدگی به جرایم بین‌المللی را به دیوان ارجاع دهد و این ارجاع دارای خصیصه جهانی است (براتی، ۱۳۸۴: ۱۶۲-۱۲۹)

رابطه‌ی شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی با توجه به وظایف اعطایی به دیوان، دیوان به عنوان یک ارگان مستقل تأمین‌کننده‌ی عدالت بین‌المللی است و شورای امنیت با مسئولیت‌های محول شده به عنوان سیاست‌مدارترین ارگان جهانی که در پی حفظ صلح بین‌المللی است جامعه بین‌المللی بر این باور است که صلح پایدار بدون اجرای عدالت محقق نمی‌شود و این موضوع نشانگر ارتباط تنگاتنگ بین دو نهاد است بدین صورت که دیوان به شورای امنیت با هدف رسیدن به عدالت نیازمند است بطوریکه با در معرض تهدید قرار گرفتن و یا نقص صلح رسیدگی به جرایم ناقص عدالت و صلح در صلاحیت قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت تأمین عدالت و حفظ صلح رابطه‌ای اجتناب‌ناپذیر دارند و گاه همسو و گاه از زوایای مختلف علی‌رغم تشابه در منشأ پیدایش آنها با توجه به ساختار و جایگاه آنها در جامعه‌ی بین‌الملل به یک پدیده توجه می‌کنند.

حال، با تعاریف ابتدایی این بحث، به‌طور مختصری به تفسیر رابطه‌ی این نهاد با یکدیگر می‌پردازیم اما تعاریف مذکور مطالب دیگری هم موجود هستند که مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند که اکنون آن را بصورت موردی بازگو می‌نمائیم،

استقلال کوزو را ناقض حقوق بین‌الملل عمومی قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت ندانست. (فاضل، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۵۷)
ب) شورای امنیت می‌تواند طبق ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، در مرحله تعقیب و تحقیق جرایم بین‌المللی، همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها و دیوان را تسهیل نماید و طبق ماده ۱۶ اساسنامه دیوان، شروع یا ادامه یک تعقیب و تحقیق را در دیوان به موجب فصل هفتم منشور به تأخیر اندازد. (براتی، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۲۹)

پ) کشورهای عضو شورای امنیت می‌توانند با اعمال حق وتو و تهدید و تحریم علیه این نهاد قضایی یعنی دیوان کیفری بین‌المللی، کنترل مؤثر داشته باشند و طی آن اطمینان حاصل کنند که اقدامات سازمان در چارچوب الزامات معین‌شده آن دولت‌ها صورت می‌گیرد. (رضوی فرد و براتی، ۱۴۰۲: ۱۱۶-۸۹)

موکول شدن تجویز صلاحیت دیوان فقط محدود به تعویق و ارجاع یا تهدید، از طریق خواسته‌های سیاسی خود بر دیوان نیست بلکه بلکه منوط به تأثیر مفاد قطعنامه‌هایی که توسط اعمال شورای امنیت صادر می‌شود هم می‌باشد همچنین اینکه شورای امنیت بتواند با استفاده از قدرت ارجاعی خود، صلاحیت دیوان را به یک وضعیت محدود کند و مسلم است که دیوان می‌تواند به دولت‌های عضو اساسنامه اعمال صلاحیت نماید. ولی در صورتی که وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شود، نیاز به رضایت هیچ دولتی اعم از عضو و غیر عضو شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست (مجرد آیلا، ۱۳۹۸: ۶۶-۴۴)

ث) اعضای پنج کشور عضو دائمی شورا هیچ منعی برای اعمال حق وتو ندارند. بدین معنا که دارندگان آن این اختیار را دارند که مصوبات شورای امنیت را از اعتبار بپردازند. به عنوان نمونه، وتو روسیه در مورد اوکراین است که روسیه قطع‌نامه‌ای که خواستار توقف تهاجم به اوکراین بود را وتو کرد. (رضوی فرد و براتی، ۱۴۰۲: ۱۱۶-۸۲)

ابزارهایی نظیر حق وتو، تهدید، تحریم و تعویق تعقیب و تحقیق توسط اعضای دائمی شورای امنیت به کنترل دیوان بپردازند تا جهت دیوان را با خواسته‌ها و منافع خود همسو نمایند و در مطلبی دیگر راجع به رابطه این نهاد کشورهای دارای حق وتو تصمیم می‌گیرند تا وضعیت‌هایی را به دیوان ارجاع دهند که برای آنان دردسرساز نباشد. نمونه این وتو، وضعیت، سوریه است که به دیوان ارجاع داده شد، و وتو قطعنامه توسط روسیه و چین استفاده شورای امنیت از قدرت تعویق تعقیب یا تحقیق جریان رسیدگی بر اساس ماده ۱۶ اساسنامه دیوان نوعی دخالت آشکار در استقلال دیوان است. همچنین بر اساس اساسنامه رم و اهمیت مضاعف ارجاعی که تولید صلاحیت می‌کند، به صورتی که شورای امنیت و وضعیتی که در آن یک یا چند جرم ارتکاب یافته است به دادستان ارجاع دهد نمونه این وضعیت جنگ دارفور طبق قطعنامه شماره ۱۵۹۳ به دیوان است. شورا امنیت می‌تواند با استفاده از قدرت ارجاعی خود دیوان را به شرایط خاص مدنظر خود مقید کند. نمونه این محدودیت صلاحیت دیوان، تأثیر قطعنامه شماره ۱۵۹۳، شماره ۱۹۷۰ است. شورای امنیت با به کارگیری قدرت اجرایی خود در زمینه‌هایی مانند حذف مجازات جرم آپارتاید برای جلوگیری مجازات ژنوسید، حذف مجازات جرم، و در موارد نقص جدی کنوانسیون‌ها در حذف تقبیح و پیشگیری و مجازات جرایم بین‌المللی دارای نقش بوده است.

بررسی صلاحیت شورای امنیت

شورای امنیت در راستای وظایف خود دارای صلاحیت‌هایی می‌باشد، که این صلاحیت‌ها عبارتند از:

(۱) حل و فصل اختلافات بین‌المللی.

(۲) مسئولیت و برقراری صلح و امنیت جهانی در صورت نقص و تهدید که در مورد اولی به دو طریق صلاحیت شورای امنیت اعمال می‌گردد که در توضیح مورد اولی می‌توان گفت که حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی توسط شورای امنیت بدین معنا نیست که خود شورا باید اختلافات بین کشورها را

بدین ترتیب که شورای امنیت جزو ارگان سازمان ملل متحد با وظیفه تأمین و حفظ صلح است و هدف این سازمان عرضه و تثبیت صلح، بر اساس عدالت و موازین حقوق بین‌الملل و لزوم انطباق وظایف شورا با اصول عدالت و منشور ملل متحد است این امر نشانگر نوع ارتباط و وابستگی ارگان‌ها می‌باشد زیرا نظام عدالت کیفری نمی‌تواند مصون از برخورد با شورا باشد یا تأمین این صلح و امنیت بوسیله‌ی نهادهای به نام دیوان از طریق تعقیب و مجازات امکان‌پذیر است. رسیدگی به پرونده رواندا توسط دیوان ویژه نشانگر این است که بدون تحقق عدالت نمی‌توان انتظار صلح پایدار داشت یا در تصویب قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵) در مورد جنگ دارفور نشان داده شد که اهداف صلح و عدالت در یک زمان باید با هم دنبال شوند. (جانی پور و خانعلی پور و اجارگاه، ۱۳۹۱: ۵۸-۳۵) همچنین اگر بخواهیم برای فهم بهتر روابط میان این دو، به ماهیت قانونی روابط میان دو نهاد بین‌المللی بپردازیم، ملاحظه می‌نماییم که این دو نهاد از دو منبع شکل گرفته‌اند که یکی مربوط به اساسنامه رم و دیگری مربوط به توافق مشهور Relationship Agreement است البته در جایی که دیوان کیفری بین‌المللی با فشار مالی زیادی مواجه می‌شود بدین ترتیب که بودجه و هزینه‌های تحقیقات، به جای اینکه خود دیوان متقبل شود، طی توافق‌نامه‌ای که در آن موضوعاتی نظیر مسائل مالی و بودجه گنجانده شده است که هزینه‌ها از سهم مقرر و وجوه پرداختی سازمان ملل متحد توسط طرف‌های عضو اساسنامه یا دولت‌های همکاری‌کننده با دیوان پرداخت می‌شود. البته در مواردی نیز دیوان، ضمن تبعیت از شورای امنیت در موارد تعویق تعقیب یا تحقیق، همواره از شورای امنیت تأثیر می‌پذیرد بطوریکه نمونه این امر، نفوذ سیاسی شورای امنیت در عرصه‌ی نظام عدالت کیفری در سطح بین‌الملل بر دیوان است که می‌توان به دادگاه ویژه لبنان که با هدف تحقیق و تعقیب اشخاص مرتکب تشکیل شد اشاره کرد. در دیگر مطالب مربوط به رابطه میان شورای امنیت و دیوان می‌توان گفت شورای امنیت می‌تواند از طریق اعمال

باب تابعیت دیوان از شورای امنیت، بلکه از جهت تلاقی دو کارکرد متفاوت حفظ صلح و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی قابل تحلیل است. با این حال، این پیوند حقوقی صرفاً یک مسئله نهادی و شکلی نیست، بلکه با سرنوشت انسان‌ها، قربانیان جنگ و جامعه جهانی نیز ارتباط مستقیم دارد. هنگامی که شورای امنیت وضعیتی را به دیوان ارجاع می‌دهد، در واقع راهی برای پاسخ‌گو ساختن عوامل جنایات سنگین و شنیده شدن صدای قربانیانی باز می‌شود که اغلب در نظام‌های داخلی از دسترسی به عدالت محروم مانده‌اند. از سوی دیگر، همین نقش می‌تواند زمینه نگرانی‌هایی درباره سیاسی شدن عدالت کیفری بین‌المللی را نیز پدید آورد؛ زیرا تصمیم‌گیری در شورای امنیت متأثر از ملاحظات قدرت و روابط سیاسی دولتهاست. در نتیجه، مبانی حقوقی رابطه شورای امنیت و دیوان باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که هم استقلال قضایی دیوان حفظ شود و هم هدف نهایی حقوق بین‌الملل، یعنی حمایت از کرامت انسانی، جلوگیری از بی‌کیفرمانی و برقراری عدالت برای قربانیان، تحت‌الشعاع مصلحت‌های صرفاً سیاسی قرار نگیرد (دارابی نیا و فروغی نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

جایگاه حقوقی شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در نظام حقوق بین‌الملل

شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی هر دو در نظام حقوق بین‌الملل جایگاهی مهم و اثرگذار دارند، اما ماهیت، مبنا و کارکرد آن‌ها یکسان نیست. شورای امنیت رکن اصلی سازمان ملل متحد و مرجع دارای مسئولیت اولیه در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که بر اساس منشور ملل متحد، به‌ویژه در چارچوب فصل هفتم، می‌تواند تصمیم‌های الزام‌آور برای دولتها اتخاذ کند. در مقابل، دیوان کیفری بین‌المللی یک

حل و فصل نماید بلکه بر اساس فصل ۶ و ۷ منشور، صلاحیت ارائه هرگونه پیشنهاد و توصیه و اقدامی را دارد و فقط می‌تواند تشویق یا توصیه نماید تصمیم شورا بر اینکه این اختلاف را در دستور کار خود قرار دهد یا خیر و ممکن است با عنایت به بند هفتم ماده رسیدگی به اختلافی را در صلاحیت خود نداند، اما گاهی شورای امنیت به دو طریق مداخله مسالمت‌آمیز و مداخله قهرآمیز به حل اختلافات بین‌المللی می‌پردازد. در مداخله مسالمت‌آمیز، بر اساس فصل ۶ منشور، شورای امنیت با شیوه‌های مسالمت‌آمیز به حل اختلافاتی می‌پردازد که نقص کننده صلح است. در مداخله قهرآمیز هم شورا بر اساس فصل ۷ منشور به اقدامات نظامی و قهرآمیز روی می‌آورند که این روش پذیرفته شده نیست. (شعبانی و اخلاقی، ۱۳۹۴: ۷۴-۴۹)

مبانی حقوقی رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی

مبانی حقوقی رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی را باید در پیوند میان منشور ملل متحد و اساسنامه رم جست‌وجو کرد. شورای امنیت بر پایه منشور، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و در چارچوب فصل هفتم می‌تواند در برابر تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز تصمیم‌های الزام‌آور اتخاذ کند. در مقابل، دیوان کیفری بین‌المللی نهادی قضایی و مستقل است که برای تعقیب مرتکبان شدیدترین جنایات بین‌المللی، از جمله نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز تأسیس شده است. رابطه این دو نهاد از آنجا شکل می‌گیرد که اساسنامه رم در برخی موارد برای شورای امنیت نقش ویژه‌ای در فعال‌سازی یا تعلیق صلاحیت دیوان شناسایی کرده است؛ به‌ویژه در ارجاع وضعیت‌ها به دیوان و نیز درخواست تعویق تحقیق یا تعقیب. بنابراین، این رابطه نه از

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر پایه اساسنامه رم و با هدف رسیدگی به شدیدترین جنایات مورد نگرانی جامعه بین‌المللی استوار شده است. این صلاحیت از نظر موضوعی شامل جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز است و از نظر شخصی، ناظر بر مسئولیت کیفری افراد، نه دولت‌ها، می‌باشد. افزون بر این، اعمال صلاحیت دیوان تابع شرایطی مانند عضویت دولت محل وقوع جرم یا دولت متبوع متهم در اساسنامه رم، پذیرش موردی صلاحیت از سوی دولت غیرعضو، یا ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت است. همچنین اصل تکمیلی بودن، یکی از مهم‌ترین مبانی صلاحیت دیوان به شمار می‌رود؛ به این معنا که دیوان تنها زمانی مداخله می‌کند که محاکم ملی نخواهند یا نتوانند به‌طور واقعی و مؤثر به تعقیب و محاکمه مرتکبان بپردازند. در نتیجه، صلاحیت دیوان نه یک صلاحیت مطلق و فراگیر، بلکه صلاحیتی محدود، استثنایی و مبتنی بر ضوابط دقیق حقوقی است که در راستای حمایت از عدالت کیفری بین‌المللی اعمال می‌شود. در این میان، شورای امنیت نقشی ویژه در فعال‌سازی صلاحیت دیوان دارد؛ زیرا می‌تواند در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد، وضعیت‌هایی را که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند، به دیوان ارجاع دهد؛ حتی اگر مربوط به دولتی غیرعضو در اساسنامه رم باشد. این اختیار، از یک سو، راهی مهم برای جلوگیری از فرار عاملان جنایات سنگین از پاسخ‌گویی است و به قربانیان این امید را می‌دهد که درد و رنج آنان در سطح بین‌المللی نادیده نخواهد ماند. از سوی دیگر، همین نقش می‌تواند نگرانی‌هایی درباره تأثیر ملاحظات سیاسی بر عدالت کیفری ایجاد کند، زیرا تصمیم‌گیری در شورای امنیت همواره در فضایی کاملاً حقوقی انجام نمی‌شود. بنابراین، نقش شورای

نهاد قضایی دائمی و مستقل است که به موجب اساسنامه رم تأسیس شده و وظیفه آن رسیدگی به شدیدترین جنایات بین‌المللی است. بنابراین، اگر شورای امنیت بیشتر نمایانگر اقتدار سیاسی و امنیتی جامعه بین‌المللی باشد، دیوان کیفری بین‌المللی مظهر پاسخ‌گویی کیفری، مبارزه با بی‌کیفرمانی و اجرای عدالت در سطح جهانی است. از این رو، جایگاه حقوقی شورای امنیت در حوزه تصمیم‌گیری و حفظ نظم بین‌المللی برجسته می‌شود، در حالی که جایگاه دیوان در قلمرو دادرسی، مسئولیت کیفری فردی و حمایت از ارزش‌های بنیادین بشری معنا پیدا می‌کند (همان، ۱۵۰).

با وجود این تفاوت، هر دو نهاد در نهایت به یک هدف مشترک نزدیک می‌شوند و آن، حمایت از صلح، امنیت و کرامت انسان است. شورای امنیت زمانی که در برابر بحران‌ها، مخاصمات گسترده و جنایات بین‌المللی مداخله می‌کند، در حقیقت با واقعیت‌های تلخ زندگی انسان‌هایی روبه‌رو است که قربانی جنگ، کشتار و آوارگی شده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی نیز با تعقیب عاملان این جنایات، می‌کوشد برای قربانیان صدایی حقوقی ایجاد کند و این پیام را به جامعه جهانی برساند که رنج انسان‌ها نباید در سکوت و بی‌پاسخی باقی بماند. در نتیجه، جایگاه حقوقی این دو نهاد را نمی‌توان صرفاً در چارچوب قواعد خشک نهادی تحلیل کرد، بلکه باید آن را در پرتو مسئولیت مشترک آن‌ها نسبت به حفظ انسانیت، جلوگیری از تکرار جنایات و استقرار نظم عادلانه در جامعه بین‌المللی فهمید.

مبانی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و نقش شورای امنیت در فعال‌سازی آن

مردمی که درگیر جنگ، کشتار یا جنایات گسترده‌اند، روزنه‌ای برای دستیابی به عدالت و پایان دادن به بی‌کیفرمانی باشد؛ به‌ویژه در مواردی که دولت‌ها خود مایل یا قادر به پیگیری جنایتکاران نیستند. اما تعلیق پرونده‌ها ممکن است این نگرانی را ایجاد کند که عدالت قربانی مصلحت‌های سیاسی شود و رنج انسان‌هایی که چشم‌انتظار پاسخ‌گویی عاملان جنایت‌اند، به حاشیه رانده شود. از این‌رو، هرچند ارجاع و تعلیق به‌عنوان ابزارهای حقوقی در راستای مدیریت بحران‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده‌اند، اعمال آن‌ها باید با دقت، بی‌طرفی و توجه به عدالت انسانی صورت گیرد تا صلاحیت دیوان در خدمت حمایت واقعی از کرامت انسان و نه صرفاً در چارچوب موازنه‌های سیاسی باقی بماند.

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

بیش از بازگویی صلاحیت این دیوان می‌توان به ویژگی‌های این دیوان به صورت مختصر مطالبی را اشاره کرد. به این صورت که در رسیدگی به جرایم بین‌المللی دیوان کیفری بین‌المللی دارای ویژگی‌های اساسی مانند صلاحیت تکمیلی و دایمی بودن و استقلال نسبت به سازمان ملل متحد می‌باشند و در پیرامون این ویژگی‌ها، دیوان دارای دو نوع صلاحیت است.

(۱) بر طبق ماده ۵ اساسنامه رم، زمانی که دیوان به مهم‌ترین جرایم مانند نسل‌کشی، ضدبشریت، جنایات جنگی و تجاوز رسیدگی می‌کند. این صلاحیت، صلاحیت ذاتی (موضوعی) نام دارد. (براتی، ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۲۹)

(۲) صلاحیت زمانی: دیوان پیش از این تاریخ، یعنی اول ژوئیه ۲۰۰۲، طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه صلاحیت رسیدگی ندارد در واقع به جرایم ارتكابی بعد از زمان لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رسیدگی می‌نماید البته اعمال صلاحیت دیوان در مورد جنایت غیرممکن نیست. (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۴۵-۱۱)

(۳) صلاحیت تکمیلی: دیوان زمانی اعمال صلاحیت می‌کند که این دولت‌ها به لحاظ فروپاشی نظام قضایی یا در دسترس

امنیت در فعال‌سازی صلاحیت دیوان باید به‌گونه‌ای فهم و اجرا شود که ضمن تقویت مبارزه با بی‌کیفرمانی، استقلال قضایی دیوان و هدف انسانی آن، یعنی حمایت از کرامت بشر و احقاق حقوق قربانیان، محفوظ بماند (اکبری، ۱۳۹۸: ۷۰).

ارجاع و تعلیق پرونده‌ها از سوی شورای امنیت و آثار آن بر صلاحیت دیوان

ارجاع و تعلیق پرونده‌ها از سوی شورای امنیت، از مهم‌ترین جلوه‌های رابطه حقوقی میان این نهاد و دیوان کیفری بین‌المللی است که مستقیماً بر نحوه اعمال صلاحیت دیوان اثر می‌گذارد. بر اساس اساسنامه رم، شورای امنیت می‌تواند در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد، وضعیتی را که متضمن ارتکاب جنایات بین‌المللی و تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است، به دیوان ارجاع دهد. اهمیت این اختیار در آن است که دیوان از این طریق می‌تواند نسبت به وضعیت‌هایی نیز اعمال صلاحیت کند که به سرزمین یا اتباع دولت‌های غیرعضو مربوط می‌شود. در مقابل، شورای امنیت مطابق ماده ۱۶ اساسنامه رم این امکان را نیز دارد که از دیوان بخواهد تحقیقات یا تعقیب را برای مدت دوازده ماه به تعویق اندازد و این تعویق قابل تمدید است. بنابراین، شورای امنیت از یک سو در گشودن مسیر تعقیب بین‌المللی نقش دارد و از سوی دیگر می‌تواند در مواردی خاص، روند عدالت کیفری را موقتاً متوقف سازد؛ امری که نشان‌دهنده پیوند حساس میان ملاحظات صلح و الزامات عدالت است (جانی پور و خانعلی پور، ۱۳۸۹: ۹-۴).

این صلاحیت دوگانه، آثار عمیقی بر جایگاه و استقلال دیوان بر جای می‌گذارد و در عین حال مستقیماً با سرنوشت قربانیان پیوند دارد. ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت می‌تواند برای

مهمی برای مقابله با بی‌کیفرمانی باشد، از منظر انسانی زمانی مشروع و مؤثر خواهد بود که به‌صورت بی‌طرفانه، منصفانه و در جهت حمایت واقعی از قربانیان و جلوگیری از فراموش شدن رنج آنان اعمال شود.

چالش سیاسی‌شدن صلاحیت دیوان و اثر آن بر اصل برابری در برابر عدالت

چالش سیاسی‌شدن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی زمانی آشکار می‌شود که اعمال یا عدم اعمال صلاحیت آن، نه صرفاً بر پایه معیارهای حقوقی، بلکه تحت تأثیر ملاحظات سیاسی دولت‌های قدرتمند و به‌ویژه تصمیمات شورای امنیت قرار گیرد؛ وضعیتی که می‌تواند اصل برابری در برابر عدالت را به‌طور جدی خدشه‌دار سازد. هنگامی که برخی وضعیت‌ها به‌سرعت در کانون توجه و تعقیب قرار می‌گیرند، اما در برابر جنایات مشابه در نقاط دیگر جهان سکوت یا تعلل دیده می‌شود، این تصور تقویت می‌شود که عدالت کیفری بین‌المللی به‌صورت گزینشی اجرا می‌شود و همه قربانیان از ارزش و حمایت برابر برخوردار نیستند. چنین رویکردی نه تنها اعتماد دولت‌ها و ملت‌ها را به بی‌طرفی دیوان کاهش می‌دهد، بلکه از منظر انسانی نیز برای قربانیانی که رنجشان به دلیل ملاحظات سیاسی نادیده گرفته می‌شود، نوعی بی‌عدالتی مضاعف به همراه دارد؛ از این‌رو، حفظ اعتبار دیوان و تحقق واقعی اصل برابری در برابر عدالت، مستلزم آن است که صلاحیت آن تا حد امکان از نفوذ محاسبات سیاسی دور بماند و معیارهای حقوقی و انسانی، مبنای اصلی تصمیم‌گیری قرار گیرد.

نبودن آن توان رسیدگی به جنایات واقع شده را از دست داده باشند یا در صورت امکان رسیدگی تمایل انجام این امر مهم را نداشته باشند (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۴۵-۱۱)
۴) صلاحیت شخصی: ماده ۲۷، دیوان نسبت به همه افراد، بدون هیچ‌گونه تبعیضی رسیدگی خواهد کرد به‌طوری‌که افراد دارای مسئولیت کیفری با سمت‌های گوناگون به هیچ وجه نه از معافیت و نه از تخفیف برخوردار نخواهند شد (براتی، ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۲۹)

لازم به ذکر است که از نظر مبانی تعیین‌کننده صلاحیت، صلاحیت دیوان مبتنی بر اصل سرزمینی بودن صلاحیت و اصل شخصی بودن صلاحیت است. بر طبق این اصل، دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایاتی را دارد که در قلمرو سرزمینی کشورهای عضو اساسنامه یا توسط اتباع این کشورها واقع شده باشند (طهماسبی، ۱۳۸۶: ۴۵-۱۱)

تأثیر مداخلات شورای امنیت بر عدالت کیفری بین‌المللی و حقوق بزه‌دیدگان

ابعاد انسانی و چالش‌های عملی رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی از آن جهت اهمیت دارد که این رابطه تنها یک پیوند نهادی و حقوقی میان دو مرجع بین‌المللی نیست، بلکه مستقیماً با جان، کرامت و حق دادخواهی قربانیان جنایات بین‌المللی ارتباط دارد. هرگاه شورای امنیت با ارجاع یک وضعیت به دیوان، زمینه تعقیب عاملان نسل‌زدایی، جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت را فراهم می‌کند، در واقع امید به عدالت را برای انسان‌هایی زنده می‌سازد که در اثر جنگ، خشونت و آوارگی، همه راه‌های داخلی حمایت را از دست داده‌اند؛ اما در عمل، این رابطه با چالش‌هایی چون سیاسی شدن تصمیمات شورای امنیت، گزینشی بودن ارجاع پرونده‌ها، استفاده از حق وتو و تعارض میان مصلحت صلح و ضرورت عدالت کیفری روبه‌رو است. از همین رو، اگرچه از منظر حقوقی همکاری شورای امنیت و دیوان می‌تواند ابزار

نتیجه گیری

با توجه به اینکه شورای امنیت یکی از ارکان سازمان ملل متحد است و نقش بسزایی در حفظ صلح و امنیت دارد و با صدور قطعنامه‌هایی، تأثیر خود را بر دیوان کیفری بین‌المللی می‌گذارد، این نهاد شورا وابسته به دیوان کیفری می‌باشد تا بتواند از طریق ابزارهای این نهاد عدالت، موفق در تأمین هر چه بهتر صلح و امنیت جهانی باشد و در مواقعی که کشورها از همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی با دیوان کیفری خودداری می‌کنند شورا نقش اساسی در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی و تعقیب و محاکمه و مجازات مجرمین بین‌المللی ایفا می‌کند و در نهایت با برداشته‌های استنادی، می‌توان به این نتیجه رسید که شورای امنیت در مبارزه با جرایم بین‌المللی و وجود ارتباط میان تهدید علیه صلح، عدالت با جرایم مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی شورا و دیوان در بسیاری از موارد با هم مرتبط هستند که این موارد ارجاع رسیدگی، تسهیل همکاری، و تأخیر انداختن ادامه تعقیب و تحقیق توسط شورا به وسیله دیوان می‌باشند. در نتیجه می‌توان گفت رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پیوند میان صلح و عدالت در نظام حقوق بین‌الملل معاصر است. شورای امنیت با تکیه بر اختیارات خود در منشور ملل متحد، به‌ویژه فصل هفتم، وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر اساس اساسنامه رم، مأمور تعقیب و محاکمه مرتکبان شدیدترین جنایات بین‌المللی است. بنابراین، رابطه این دو نهاد را باید در چارچوب همکاری میان یک نهاد سیاسی - امنیتی و یک نهاد قضایی - کیفری تحلیل کرد؛ رابطه‌ای که اگر به‌درستی اعمال شود، می‌تواند نقش مهمی در مقابله با بی‌کیفرمانی و حمایت از قربانیان جنایات بین‌المللی داشته باشد.

بررسی مبانی صلاحیت دیوان نشان می‌دهد که صلاحیت این نهاد محدود به جنایات خاص و تابع شرایط مقرر در اساسنامه رم است. با این حال، شورای امنیت می‌تواند از طریق ارجاع

وضعیت‌ها به دیوان، دامنه اعمال صلاحیت آن را گسترش دهد؛ حتی نسبت به دولت‌هایی که عضو اساسنامه رم نیستند. این اختیار از یک سو ظرفیت مهمی برای اجرای عدالت در مواردی فراهم می‌کند که نظام‌های داخلی ناتوان یا نامایل به رسیدگی هستند، اما از سوی دیگر، وابستگی فعال‌سازی صلاحیت دیوان به تصمیم نهادهای سیاسی، همواره خطر تأثیرپذیری عدالت کیفری از ملاحظات قدرت را به همراه دارد. از سوی دیگر، امکان تعلیق تحقیق یا تعقیب توسط شورای امنیت بر اساس ماده ۱۶ اساسنامه رم، نشان‌دهنده تقدم احتمالی ملاحظات صلح و امنیت بر روند عدالت کیفری است. هرچند در برخی شرایط، تعلیق ممکن است برای مدیریت بحران‌های بین‌المللی یا جلوگیری از تشدید درگیری‌ها توجیه شود، اما استفاده نادرست یا گزینشی از این اختیار می‌تواند اعتماد عمومی به استقلال دیوان را کاهش دهد. قربانیان جنایات بین‌المللی انتظار دارند که عدالت به تأخیر نیفتد و رنج آنان قربانی مصلحت‌های سیاسی نشود؛ از این‌رو، اعمال این اختیار باید استثنایی، محدود و همراه با توجیه حقوقی و انسانی روشن باشد.

همچنین باید تأکید کرد که مهم‌ترین چالش رابطه شورای امنیت و دیوان، خطر سیاسی‌شدن صلاحیت دیوان و خدشه به اصل برابری در برابر عدالت است. اگر برخی بحران‌ها به دلیل منافع دولت‌های قدرتمند یا استفاده از حق و تو از رسیدگی بین‌المللی دور بمانند، در حالی که وضعیت‌های دیگر به سرعت به دیوان ارجاع شوند، عدالت کیفری بین‌المللی با اتهام گزینشی بودن روبه‌رو خواهد شد. چنین وضعیتی نه تنها اعتبار دیوان را تضعیف می‌کند، بلکه از منظر انسانی نیز برای قربانیانی که صدای آنان شنیده نمی‌شود، نوعی بی‌عدالتی مضاعف ایجاد می‌کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی زمانی مشروع، مؤثر و عادلانه خواهد بود که بر پایه معیارهای حقوقی، بی‌طرفی، شفافیت و حمایت واقعی از کرامت انسان اعمال شود. شورای امنیت باید از

- جانی پور، مجتبی و خانعلی پور واجارگاه، سکنیه. (۱۳۹۱). چالش صلح و عدالت از منظر اساسنامه دیوان کیفری. نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱۳)، ۵۷-۳۵.
- حجازی، سیدامردادین و صلح چی، محمدعلی. (۱۳۹۹). شورای امنیت سازمان ملل متحد و تأثیر آن در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، (۳۳)۹، ۴۶-۹.
- خسروی، شهرام. (۱۳۸۴). ساختار شورای امنیت در طرح اصلاحات سازمان ملل. فصلنامه علمی راهبرد، (۴)۱۳، ۹۹-۹۰.
- دارابی نیامرتضی؛ فروغی نیامرتضی (۱۳۹۴)، رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جنایت تجاوز سرزمینی، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، ۱۷۰-۱۴۲.
- رضوی فرد، بهزاد و براتی، محمد. (۱۴۰۲). تأثیر شورای امنیت ملل متحد بر سیاسی شدن دیوان کیفری بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی، (۶۹)۴۰، ۱۱۶-۸۶.
- شعبانی، سمانه و اخلاقی، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی جایگاه حقوقی شورای امنیت و حدود و اختیارات و صلاحیت آن. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، (۱۱)، ۷۴-۴۹.
- طهماسبی، جواد. (۱۳۸۶). قلمرو زمانی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی. مجله حقوقی بین‌المللی، (۳۷)۲۴، ۴۵-۱۱.
- فاضل: رضا. (۱۳۹۰). بررسی نظر مشورتی دیوان در مورد اعلامیه کوزو. فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، (۱۱)، ۱۷۲-۱۵۷.
- مجرد آیلاز، بهمن. (۱۳۹۸). موانع و محدودیت های دیوان کیفری بین المللی در رسیدگی بر جرایم حافظان صلح. فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، (۲)۴، ۶۶-۴۴.

اختیارات خود در ارتباط با دیوان نه به عنوان ابزار سیاسی، بلکه به عنوان وسیله ای برای تقویت عدالت، حمایت از قربانیان و مقابله با بی کیفرمانی استفاده کند. در مقابل، استقلال قضایی دیوان نیز باید حفظ شود تا این نهاد بتواند بدون فشار سیاسی، مأموریت اصلی خود را در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی انجام دهد. بنابراین، توازن میان حفظ صلح و تحقق عدالت، شرط اصلی کارآمدی این رابطه در نظام حقوق بین‌الملل است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- اکبری، حسین. (۱۳۹۸). تأثیرگذاری سیاسی شورای امنیت بر دیوان کیفری بین‌المللی. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، (۳)۵، ۷۴-۶۵.
- براتی، شهرام. (۱۳۸۲). صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی (ICC). فصلنامه علمی پژوهشی حقوق عمومی، (۹)۵، ۱۶۱-۱۳۹.
- جانی پور، مجتبی و خانعلی پور واجارگاه، سکنیه (۱۳۸۹)، ارجاع جنایت‌های بین‌المللی به دیوان کیفری بین‌المللی توسط شورای امنیت و آثار آن، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره دوم، ۳۶-۲.